

## طلب شفاعت: بررسی دیدگاه وهابیان و دیوبندیه

\* حسن عربی

\*\* علی ملاموسی میبیدی

### چکیده

شفاعت‌خواهی از پیامبر (ص) از اصیل‌ترین باورهای مسلمانان جهان است. دو جریان فکری وهابیت و دیوبندیه در این زمینه دو دیدگاه مختلف داشته و اختلاف بسیار جدی با یکدیگر دارند. وهابیان با تأکید بر برداشت و فهم نادرست از قرآن و سنت درخواست شفاعت از پیامبر اکرم (ص) بعد از حیات را نوعی شرک در الوهیت و حتی ربوبیت دانسته و معتقدند باید فقط از خداوند درخواست کرد. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی نشان می‌دهد که در مقابل وهابیت، دیوبندی‌ها به طور کلی به جواز شفاعت‌خواهی، اعم از حیات و ممات و بهره‌مندی از روح پیامبر اکرم (ص) معتقدند و اکثریت قریب به اتفاقشان علاوه بر جواز شفاعت‌خواهی این عمل را دارای ثواب و مستحب می‌دانند. دیوبندیان در این زمینه به آیه ۶۴ سوره نساء، سیره سلف امت و صحابه کرام، مفسران و عالمان اهل سنت تمسک کرده‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** وهابیت، دیوبندیه، شفاعت، طلب شفاعت، استشفاع، آیه ۶۴ سوره نساء.

---

\* دانش پژوه سطح سه موسسه آموزش عالی ائمه اطهار، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)

hasanarabi2411@gmail.com

\*\* دکترای مدرسی معارف اسلامی دانشگاه تهران و استاد تخصصی حوزه فرق و مذاهب حوزه علمیه قم.

meybodi60@chmail.ir

## مقدمه

دیوبندیه مکتبی است که در قرن دوازدهم هجری گروهی از علمای حنفی، بر اساس اندیشه‌های شاه‌ولی‌الله دهلوی، در شبه‌قاره هند در روستای دیوبند پایه‌گذاری کردند (الرحمن، ۱۴۱۹: ۲۱). دانش‌آموختگان دارالعلوم دیوبند، در فقه پیرو ابوحنیفه، در کلام و اعتقادات پیرو ابومنصور ماتریدی و ابوالحسن اشعری هستند و به سلسله‌های تصوف، از جمله نقشبندیه، چشتیه، قادریه و سهروردیه رویکرد مثبتی دارند (سهارنپوری، ۱۳۹۴: ۲۸-۲۹). در مقابل، محمد بن عبدالوهاب گروهی موسوم به وهابیت را در منطقه نجد عربستان تأسیس کرد. وهابیان، با ادعای پیروی از فقه احمد بن حنبل، خود را تنها مسلمانان واقعی می‌دانند و سایر فرقه اسلامی را مشرک لحاظ می‌کنند و قتلشان را مباح می‌شمردند (ابن‌عابدین، ۱۴۱۲: ۲۶۲/۴).

اعتقاد به شفاعت با توجه به ادله ثابت‌شده قرآنی و روایی محل اتفاق همه مسلمانان است. فقط در چگونگی آن اختلاف نظرهایی وجود دارد. یکی از آن مسائل اختلافی در بین مسلمانان شفاعت‌خواهی از روح پیامبر اکرم (ص) در زمان پس از حیات ایشان است. وهابیان با تأکید بر مطلق‌انگاری شفاعت‌خواهی، اعتقاد سایر مذاهب اسلامی در ممات را به شرک اکبر متهم کرده‌اند.

شرک در الوهیت به این معناست که هر کس از اموات شفاعت بجوید، در واقع او را عبادت کرده است و به واسطه عبادت غیرخدا، به نوعی مشرک در الوهیت به شمار می‌رود (ابن‌فوزان، بی‌تا: ۳۱/۱)، چراکه وهابیت عبادت را نهایت خضوع و خشوع می‌داند (ابن‌جبرین، بی‌تا: ۱۱/۹؛ ابن‌عثیمین، ۱۴۲۴ج: ۱۲۰). از این رو، دعا که دارای نوعی از خضوع و خشوع است مصداق عبادت تلقی شده است. لذا خواندن غیرخدا را شرک می‌دانند. از سوی دیگر، شرک در ربوبیت به این معناست که درخواست شفاعت از میت به نوعی اعتقاد اشاره دارد که حاکی از وجود قدرتی غیرطبیعی مشابه قدرت ربوبی خداوند است. بنابراین، این باور به شرک در ربوبیت منجر می‌شود (همان: ۱۹/۲). آنان برای ادعایشان به ادله گوناگون قرآنی و روایی تمسک بسته‌اند و کسانی را که از پیامبر اکرم (ص) و بزرگان دین پس از رحلت ایشان طلب شفاعت می‌کنند به شرک ربوبی و حتی

شرک الوهی متهم می‌کنند (همان؛ ابن‌فوزان، بی‌تا: ۳۱/۱). این در حالی است که دیوبندیه شفاعت‌خواهی از پیامبر اکرم (ص) بعد از حیات ایشان را جائز می‌دانند و دیدگاهشان نقطه‌مقابل دیدگاه وهابیت در شفاعت‌خواهی است. از این‌رو در این پژوهش در صددیم با روش توصیفی تحلیلی مسئله شفاعت‌خواهی از منظر وهابیت و دیوبندیه را بررسی کنیم و ضمن بیان ادله هر کدام، نظریه صحیح را طبق آیات و روایات بیان کنیم تا در صورت وجود اعتقاد صحیح، از دایره اسلام خارج نشوند.

در این نوشتار برای رسیدن به نتیجه مطلوب کوشیده‌ایم شفاعت‌خواهی در دو حیطة حیات و ممات پیامبر اکرم (ص) را بررسی کنیم، چراکه اصل دعوی وهابیت با سایر مسلمانان بر سر شرکانگاری شفاعت‌خواهی در زمان ممات است. لذا در این پژوهش دیدگاه علمای دیوبند و وهابیت در حیات و ممات بررسی شده تا مشخص شود فرقی بین حیات و ممات نیست.

پیش‌تر آثاری نزدیک به این مقاله نوشته شده است. مقاله «توسل و شفاعت» نوشته محمدطاهر رفیعی فقط به ماهیت و مسلم بودن اصل شفاعت پرداخته است. از سوی دیگر، مقالاتی مانند «بررسی ادله شرک الوهی در مسئله شفاعت» نوشته حسین قاضی‌زاده و «جستاری در شفاعت از منظر وهابیت» نوشته محمد فولادی فقط دیدگاه وهابیت را بررسی کرده است.

### مفهوم «طلب شفاعت»

«شفاعت» در لغت به معنای جفت‌بودن (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۸۳/۸) و مقارنت (ابن‌فارس، ۱۳۹۹: ۲۰۱/۳) است. راغب اصفهانی هم معنای شفاعت را «ضم الشيء الی مثله» می‌داند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۵۷). در این صورت معنای لغوی «شفاعت» یعنی انضمام یک شیء به دیگری برای تکمیل آن و اعطای نتیجه افضل، چه در یک رتبه باشند یا در دو رتبه مختلف، اما غالباً انضمام اقوی به اضعف، و اعلی به ادنی استعمال می‌شود.

معنای «طلب شفاعت» درخواست و طلب از صاحب شفاعت برای شفاعت‌شوندگی است. در این صورت شفاعت پیامبر یا اولیای الهی به معنای درخواست بخشش

گناهان و برآورده شدن حاجات بندگان از خداوند متعال است. از این منظر شفاعت خواهی را می‌توان نوعی درخواست دعا تلقی کرد، همچنان که ابن‌باز هم مقصود از شفاعت خواهی را طلب دعا از دیگری دانسته است (ابن‌باز، ۱۴۲۵: ۹۵/۱؛ همو، بی تا الف: ۲۶۶/۱۶). شفاعت کنندگان هم به واسطه تقرب به خداوند و مقام والایشان اجازه می‌یابند برای بندگان گنهکار واسطه شوند و از خدا طلب مغفرت و آمرزش کنند (همو، بی تا الف: ۱۲۳/۴۴).

مفاهیم «توسل»، «استغاثه» و «طلب شفاعت» تمایز دارند. در «توسل» خطاب اصلی شخص خداوند است نه ولی خدا، در حالی که در «استغاثه» خطاب شخص مستقیماً متوجه ولی الهی است نه خود خدا. با این توصیف، تفاوت «طلب شفاعت» با «توسل» و «استغاثه» نیز آشکار می‌شود؛ اگرچه در «طلب شفاعت» هم مانند «استغاثه» مخاطب شخص ولی خداست، اما در «طلب شفاعت» برخلاف «استغاثه» مستقیماً از ولی خدا حاجت نمی‌طلبند، بلکه از آن‌ها درخواست می‌کنند برای برآورده شدن حاجتشان دعا کنند (ابن تیمیه، ۱۴۲۶: ۴۱). به عبارت دیگر، مراد از «طلب شفاعت» همان درخواست شفاعت و شفاعت طلبی از پیامبر یا اولیای الهی است.

### شفاعت خواهی در حیات پیامبر اکرم (ص) نزد دیوبندیه

دیوبندیه معتقدند شفاعت خواهی از پیامبر (ص) در زمان حیات ایشان جایز و مرسوم بوده است (سربازی ملازهی، ۱۳۸۵: ۱۳/۱). این اجماع بر پایه روایات و آیاتی از قرآن کریم، به ویژه آیه ۶۴ سوره نساء، استوار است. نزد آنان این آیه به صراحت بیان می‌کند که اگر مردم پس از ارتکاب گناه به پیامبر (ص) مراجعه، و از او طلب شفاعت می‌کردند پیامبر (ص) برایشان از خداوند آمرزش می‌طلبد و خداوند هم دعایشان را اجابت می‌فرمود. این نشان می‌دهد که پیامبر (ص) واسطه‌ای بین مردم و خدا بوده و می‌توانستند برای رفع مشکلات و گناهان خود به ایشان مراجعه کنند (صاحب، بی تا: ۲۰۷).

علمای دیوبندیه درباره شفاعت خواهی از پیامبر اکرم (ص) استدلال می‌کنند که طلب شفاعت و مغفرت از پیامبر اکرم (ص)، چه در زمان حیات ایشان و چه پس از

رحلت، نزد اغلب قریب به اتفاق علمای اهل سنت جایز و مشروع است. آیه ۶۴ سوره نساء، اگرچه درباره منافقان نازل شده، اصلی کلی در نظر گرفته می‌شود؛ به این معنا که هر کس در خدمت رسول خدا باشد و آن حضرت برایش دعا کنند آمرزیده خواهد شد. این قاعده را نه فقط در زمان حیات پیامبر (ص)، بلکه در زمان حاضر نیز درباره زیارت قبر آن حضرت صادق می‌دانند (عثمانی، ۱۳۸۶: ۴۴/۴).

محمود حسن دیوبندی شفاعت‌خواهی پیامبر (ص) را می‌پذیرد و می‌گوید اگر بعد از ارتکاب گناه متنبه می‌شدند و از خدا طلب مغفرت می‌کردند و حضرت پیغمبر هم برایشان از خدا مغفرت می‌خواست خداوند توبه‌شان را می‌پذیرفت (دیوبندی، ۱۴۱۸: ۵۱۶). دیوبندیان معتقدند خداوند از فرزندان حضرت یعقوب (ع) نقل می‌کند که آن‌ها از پدرشان خواستند در حقشان آمرزش بخواهد و حضرت یعقوب (ع) درخواست آنان را پذیرفت و به وعده خود عمل کرد. فرزندان گفتند: «پدرجان! در حق ما طلب آمرزش کن، ما خطاکار بودیم»؛ و او گفت: «به همین زودی برایتان طلب آمرزش خواهم کرد» (ثناءالله عثمانی، ۱۴۲۵: ۶۸؛ عثمانی، ۱۳۸۶: ۳۲۴/۷). از نظر ایشان، در روایات متعددی، از جمله روایت عثمان بن حنیف، آمده است که مردم به حضور پیامبر (ص) می‌آمدند و از ایشان شفاعت می‌طلبیدند و پیامبر (ص) هم برایشان دعا می‌فرمود. این روایات نشان می‌دهد که این عمل در زمان پیامبر (ص) رایج بوده و ایشان هم آن را تأیید می‌کرده‌اند. در کتب علمای دیوبند به این روایات تصریح شده است (سربازی ملازهی، ۱۳۸۵: ۱۳/۱؛ خدا نظر قنبرزهی، بی‌تا: ۱۰۵۸).

بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که طلب دعا از پیامبر اکرم (ص) در زمان حیات ایشان، مشروع و جایز بوده است.

### شفاعت‌خواهی در ممات پیامبر اکرم (ص) نزد دیوبندیه

از منظر دیوبندیه، شفاعت‌خواهی در ممات از قرآن کریم، تفسیر مفسران، سیره صحابه پیامبر اکرم (ص) و تشریح محدثان و کلام ائمه اهل سنت ثابت است (سربازی ملازهی، ۱۳۸۸: ۲۵۶/۷). استشفاع و طلب دعا نزد قبر پیامبر (ص) در منظر اهل سنت و دیوبندیان جایز و مشروع است و شخصی که مشرف به زیارت حرم مطهر ایشان شده

شایسته است به همراه سلام و صلوات بر آن حضرت از ایشان طلب شفاعت و دعا کند (کاندهلوی، ۱۳۹۳: ۱۵۰). دیوبندیه توسل و زیارت را با بیان خود اذعان کرده‌اند و به آن ایمان دارند و آن را جزء دین می‌دانند و سیره موجود از همین عقیده حکایت می‌کند (سهارنپوری، ۱۳۹۴: ۳۶). درخواست شفاعت هم یکی دیگر از آثار توسل است که دیوبندی‌ها غالباً در ذکر توسلاتشان به زبان می‌آورند. حتی بالاتر، هر گاه بر میتی صد نفر یا چهل نفر یا سه صف نماز گزارند، به خاطر این نمازگزاران، به شرط آنکه عمل مشرکانه نداشته باشند، میت مشمول شفاعت قرار می‌گیرد و آمرزیده می‌شود (عثمانی، ۱۴۲۶: ۳۴/۶).

عبدالشکور ترمذی درخواست شفاعت در کنار قبر مطهر رسول اکرم (ص) و گفتن: «یا رسول‌الله! برای مغفرت من، شفاعت فرما» را جایز دانسته است (ترمذی، ۱۴۲۷: ۱۱۳). محمد شفیع عثمانی، ظفر احمد عثمانی، سرفراز خان صفدر، و قاری محمد طیب عثمانی هم این عقیده را تقریظ و تصدیق کرده‌اند و همگی به صحتش معتقدند. به اعتقاد ترمذی، گنگوهی نیز شفاعت خواهی را قبول داشته و چنین نگاشته است: «شخص بگوید: ای رسول خدا! من از تو شفاعت درخواست می‌کنم، و تو را برای این منظور به عنوان وسیله به بارگاه خداوند واسطه می‌کنم که من به حالت مسلمانی بر ملت و سنت تو بمیرم. این مطلب را گنگوهی در سایر کتبش نیز به اثبات رسانده است» (همان: ۱۱۴). گنگوهی معتقد است اگر شما را به عرض سلام توصیه کردند بدین نحو عرض کنید: «الْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ يَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَيَّ رَبِّكَ؛ سلام بر تو ای رسول خدا از طرف فلان فرزند فلان! و او شفاعت می‌طلبد به وسیله تو به سوی پروردگارت» (گنگوهی، ۱۳۸۱: ۱۴۷-۱۴۸).

محمد شفیع عثمانی روایتی از حضرت علی (ع) را به عنوان شاهد بر این مدعا ذکر می‌کند (عثمانی، ۱۳۸۶: ۴۴/۴). وی در بحث کیفیت اعمال حج و زیارت پیامبر (ص)، چگونگی توسل و استشفاع در کنار قبر مطهر پیامبر (ص) را چنین بیان می‌کند: «یا رسول‌الله! من از تو طلبکار شفاعتم و تو را وسیله می‌کنم به طرف خدا در اینکه بمیرم مسلمان بر دین و سنت تو»، و اگر خواست سلام کسی را برساند چنین عرض کند: «بر تو سلام می‌گویم یا رسول‌الله از طرف فلان بن فلان! شفاعت می‌طلبد از تو به سوی



پروردگار». وی حتی این مسئله را برای غیر پیامبر هم ثابت می‌داند (همو، ۱۳۸۸: ۱۸۰).  
 محمد عمر سربازی، امکان استغفار و شفاعت خواهی از پیامبر (ص) پس از رحلت  
 ایشان را جائز می‌داند (سربازی ملازهی، ۱۳۸۸: ۲۵۶/۷) و در بیان اختلافات وهابیت با  
 اهل سنت می‌گوید: «درخواست شفاعت هنگام حضور برای عرض سلام در بارگاه  
 رسالت را روا نمی‌دانند» (همو، ۱۳۸۵: ۲۷۷/۱). محمد سلیم آزاد، ضمن استناد به حدیث  
 اعرابی، به تفصیل به موضوع استشفاع از پیامبر اکرم (ص) می‌پردازد و بر زنده بودن پیامبر  
 (ص) در روضه مطهر و جواز استدعا از ایشان برای شفاعت تأکید می‌کند (سلیم آزاد،  
 ۱۳۹۶: ۸۲).

محمد الیاس گمن، از علمای حنفی دیوبندی، در مسئله شفاعت خواهی از پیامبر  
 (ص) می‌گوید نزد قبر آن حضرت (ص) حاضر شود و درخواست شفاعت کردن از آن  
 حضرت و گفتن آنکه «ای رسول خدا! شما نزد خدا شفاعتم را کنید که مرا مغفرت کند»  
 جایز است (گمن، ۱۴۳۷: ۳۳). محمد طاهر مسعود در مشروعیت شفاعت خواهی  
 می‌گوید بعد از حضور در کنار روضه مطهر آن حضرت، خواندن دعای وسیله آن  
 حضرت و درخواست شفاعت کردن و گفتن «ای رسول خدا! برای بخشوده شدن من  
 سفارش فرمایید» نه فقط جایز، بلکه مستحب است. زائر هنگام زیارت روضه مطهر،  
 روی خود را به طرف چهره منور آن حضرت کند و بایستد. همچنین، هنگام طلب وسیله  
 و درخواست شفاعت همان طور بایستد (مسعود، ۱۳۹۳: ۱۹۸-۱۹۹).

سعید احمد دیوبندی می‌گوید در زیارت پیامبر (ص) بعد از نماز چنین بگوید: «ای  
 رسول خدا! همانا خداوند متعال، که پاک و منزّه است، فرموده: اگر همانا ایشان چون بر  
 نفس هایشان ظلم کنند پیش تو بیایند و برای گناهانشان طلب مغفرت کنند و رسول هم  
 طلب مغفرت گناهان آن‌ها را کند خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یابند» (صاحب، بی‌تا:  
 ۲۰۷).

علمای دیوبند معتقدند پیامبر اکرم (ص) در قبر مطهر زنده هستند و صداها را  
 می‌شنوند و اشخاص را می‌شناسند. علاوه بر پیامبر (ص)، بر استشفاع به سایر اولیای  
 خدا نیز تأکید کرده‌اند (سلیم آزاد، ۱۳۹۶: ۸۲؛ کاندهلوی، ۱۳۹۳: ۳). محمد زکریا  
 کاندهلوی بر توسل به معنای عام و شفاعت خواهی از اولیای خدا تأکید کرده و آن را

عقیده‌ای رایج در میان اهل سنت دانسته است. وی معتقد است شفاعت خواهی به حکم آیه ۶۴ سوره نساء در زمان حیات پیامبر (ص) و پس از آن یکسان است (کاندهلوی، ۱۳۹۳: ۳). به نظر وی، بعد از عرض سلام به پیشگاه خدا دعا کند و از رسول خدا (ص) شفاعت جوید. برخی از علما آن را منع کرده‌اند اما بدانید که جمهور علما به جواز آن قائل‌اند (همان: ۱۵۰).

### ادله دیوبندیه در شفاعت خواهی در زمان ممات پیامبر اکرم (ص)

از دیدگاه دیوبندیه، ادله شفاعت خواهی در ممات را هم می‌توان از قرآن کریم، تفسیر مفسران، سیره صحابه پیامبر اکرم (ص) تشریح محدثان و کلام ائمه اهل سنت ثابت کرد.

#### ۱. آیه ۶۴ سوره نساء

خداوند صراحتاً می‌فرماید گنهگاران برای آنکه خداوند را مهربان و توبه‌پذیر یابند باید به پیامبر (ص) متوسل شوند و ایشان را وسیله قرار دهند، و اگر پیامبر (ص) این وساطت را بپذیرد و برایشان از خدا طلب مغفرت کند، آنگاه خدا توبه منافقان و معصیت‌کاران را خواهد پذیرفت: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رُسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا». به اعتقاد دیوبندیه از این آیه چند مطلب واضح برداشت می‌شود:

۱. معرفی پیامبر به عنوان وسیله برای تقرب به خداوند متعال توسط خود ایشان
۲. دستور به شفاعت خواهی از جانب خداوند متعال
۳. رضایت و استغفار پیامبر (ص) شرط پذیرش توبه از جانب خداوند متعال است (سربازی ملازمی، ۱۳۸۸: ۲۵۶/۷-۲۵۷).

از این آیه شفاعت خواهی از پیامبر (ص) ثابت می‌شود؛ زیرا در آن هیچ‌گونه تخصیص و تقییدی وجود ندارد. بنا بر قاعده‌ای مشهور بین علمای اصول فقه و تفسیر، یعنی «العبرة لعموم اللفظ لا لخصوص السبب»، حکم این آیه هنوز باقی است، چنانچه ظفر احمد عثمانی بعد از بیان آیه می‌نویسد: «پس ثابت شد که حکم این آیه بعد از وفات پیامبر (ص) نیز باقی است» (عثمانی، ۱۴۱۵: ۵۱۲/۱۰). آیه مذکور در اثبات

شفاعت خواهی از رسول الله (ص) بعد از وفات ایشان با تکیه بر آرای مفسران اهل سنت است که شفاعت خواهی از منظر ایشان جزء اعتقادات و از مباحث محرز شده دین است. راجع به تعبیر «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ» هم باید گفت اگرچه این آیه در واقعه منافقان نازل شده، اما از الفاظ ضابطه ای عمومی پدید می آید که هر کسی در خدمت رسول الله (ص) حاضر باشد و آن حضرت در حقیقت دعای مغفرت کند حتماً آمرزیده خواهد شد و حضور بر روضه اقدس همانند حضور در خدمت آن حضرت در زمان حیاتشان است و همان حکم را دارد (عثمانی، ۱۳۸۶: ۴/۴۴). سلیم آزاد، به نقل از محمد قاسم نانوتوی، عمومیت این حکم را از آیه مذکور چنین استنتاج کرده است:

زیرا در این آیه هیچ کس تخصیص نشده است که افراد هم عصر آن حضرت باشند یا امتیان بعد؛ و اصلاً بر چه مبنایی تخصیص صورت گیرد، در حالی که وجود ایشان برای تربیت تمام امت به طور یکسان رحمت است و آمدن امتیان بعد به خدمت آن حضرت و طلب دعای مغفرت فقط در صورتی متصور است که ایشان در قبر زنده باشند (سلیم آزاد، ۱۳۹۶: ۲۱۳).

بر این اساس، حتی اگر کسی در زمان وفات رسول الله (ص) نزد قبر ایشان برود و از ایشان طلب مغفرت کند، حضرت رسول (ص) برایش طلب مغفرت می کنند، و حتماً مغفرت الاهی شامل حالش خواهد شد.

## ۲. روایات طلب شفاعت

دلیل دیگر بر مشروعیت و جواز شفاعت خواهی در بین دیوبندیه روایات ذیل آیه فوق است که حکم آیه مذکور بعد از وفات پیامبر (ص) هنوز باقی است. محمد شفیع عثمانی در تفسیر خود بعد از بیان آیه، حکایت حضرت علی (ع) با آن شخص روستایی در شفاعت خواهی از پیامبر (ص) و آمرزش آن شخص را بیان می کند که حضرت فرمودند وقتی ما از دفن رسول الله (ص) فارغ شدیم بعد از سه روز شخصی روستایی آمد و بر مقبره گرامی آن حضرت افتاد و زارزار گریست. لذا حضرت علی (ع) آیه فوق را به وی معرفی کرد و گفت خداوند در این آیه وعده فرموده که اگر گنهکاری در خدمت رسول خدا (ص) حاضر باشد و رسول برایش دعای مغفرت کند گناهانش آمرزیده می شود. بنابراین، او گفت من در خدمت شما حاضر شده ام که در حقیقت دعای مغفرت



بفرمایید. این قضیه در حالی اتفاق افتاد که افراد حاضر در آنجا می‌گویند در جواب آن فرد روستایی از روضه اقدس این صدا برآمد که «قَدْ غَفَرَ لَكَ»، یعنی مغفرت شدی (عثمانی، ۱۳۸۶: ۴۴/۴).

محمد عمر سربازی دیوبندی درباره شفاعت خواهی از رسول‌الله (ص) و اینکه حضرت بعد از رحلت هم برای امت استغفار می‌کند چنین می‌گوید: «انبیا در قبرهای خویش زنده هستند و زائران را می‌بینند و سخنانشان را می‌شنوند. لذا اگر کسی نزد روضه مطهر آن حضرت چنین بگوید: «برای من در نزد خداوند متعال مغفرت بخواه و شفاعت کن»، پیامبر در حق او به بارگاه خداوند متعال شفاعت می‌نماید و شفاعت آن حضرت مورد اجابت قرار می‌گیرد. پس این بشارت پس از رحلت رسول‌الله نیز وجود دارد». وی در ادامه حکایت آن فرد اعرابی و حضرت علی (ع) را ذکر می‌کند که ایشان می‌فرمایند سه روز پس از دفن پیامبر (ص) اعرابی مؤمنی به روضه مطهر آمد و شروع به گریستن کرد. ما همه دورتادور روضه نشسته بودیم. آن مرد چنان گریست که بر روی قبر افتاد و از خاک آن بر سرش ریخت. سپس خطاب به قبر آن حضرت ابیاتی را سرود. اعرابی بعد از این ابیات، خطاب به روضه منوره گفت: «خداوند متعال در حق تو فرموده: وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا...» من هم مجرم هستم و تقاضا دارم برای من هم در بارگاه پروردگارم دعا و استغفار کنی». حضرت علی (ع) می‌فرماید وقتی آن مرد این آیه را خواند از قبر آن حضرت آواز آمد: «قَدْ غَفَرَ لَكَ» و همه ما آن آواز را شنیدیم (سربازی ملازمی، ۱۳۸۸: ۲۵۶/۷).

یکی دیگر از روایاتی که طلب دعا از پیامبر اکرم (ص) پس از حیات ایشان را ثابت می‌کند، روایت مالک‌الدار است. مالک‌الدار، که خزانه‌دار عمر بن خطاب بود، می‌گوید در یکی از سال‌های خلافت عمر قحطی شدیدی رخ داد و مردم را به سختی دچار کرد. مردی با اعتقاد راسخی که به پیامبر اکرم (ص) داشت نزد قبر مطهر ایشان رفت و گفت: «ای رسول خدا! برای امت از خداوند طلب باران کن». در عالم خواب، رسول خدا (ص) بر او ظاهر شد و فرمود: «نزد عمر برو و سلام برسان و به او بشارت بده که به زودی باران خواهد آمد و امت از قحطی نجات خواهند یافت». عمر پس از شنیدن این خبر گریه کرد و وعده داد که تمام تلاشش را برای رفع مشکل مردم به کار خواهد گرفت (مسعود، ۱۳۹۳: ۱۹۸-۱۹۹).

### ۳. سیره صحابه و سلف امت

دلیل دیگر بر جواز و مشروعیت شفاعت خواهی، فهم بزرگان دوران سلف امت است. فهم ایشان در شفاعت خواهی، به ویژه آیه ۶۴ سوره نساء، به گونه ای است که هیچ گاه دلالت آن را منحصر به زمان حیات دنیوی پیامبر (ص) نکرده اند و اعتراضی هم بر ممنوعیت استشفاع از بزرگان سلف رؤیت نشده است.

محمد سلیم آزاد سخن اعرابی و سکوت صحابه حاضر در آن مکان و انکار نکردن واقعه در طول دوران را دال بر این می داند که به نظر آنان حضرت رسول الله (ص) در روضه مطهر خویش زنده است و صداها را می شنود و همچنین در آن عالم بر مبنای شأن رحمت خویش در مقابل درخواست شفاعت امت، به صورت دعا و شفاعت در بارگاه خداوند متعال، عکس العمل های رحیمانه نشان می دهد (سلیم آزاد، ۱۳۹۶: ۸۲). ایشان در بیان مسئله استشفاع از نبی چنین قائل است که استشفاع از رسول الله (ص) نزد اغلب علمای اهل سنت جایز است و معنای استشفاع از نبی و مشروعیتش را این گونه بیان می کند که «استشفاع از نبی» یعنی اینکه از ایشان خواسته شود برای ما نزد خداوند متعال شفاعت کند و مغفرت بخواهد. در قرآن کریم به این کار تصریح شده است. همان طور که در زمان حیات رسول الله (ص) این کار جایز بود، نزد اغلب علمای اهل سنت بعد از وفات ایشان نزدیک روضه اطهر هم جایز است؛ زیرا آن حضرت در روضه خویش زنده اند و صداها را می شنوند و اشخاص را می شناسند (همان: ۲۰۸). حکایت اعرابی در شفاعت خواهی از پیامبر (ص) و آمرزش او و سکوت صحابه، ناظر به صحت این عقیده در سلف امت بوده است. سایر مفسران و علمای دیوبند نیز مشابه همین تفسیر را دارند.

روزی در مسجد النبی درباره نحوه دعا کردن در کنار قبر پیامبر (ص) مناظره ای میان مالک بن انس با منصور دوانیقی درگرفت. منصور پرسید: «آیا زائر هنگام دعا رو به قبله بایستد یا رو به قبر پیامبر (ص)؟» مالک پاسخ داد: «رو به قبر پیامبر بایستد و از ایشان طلب شفاعت کند، چراکه او واسطه میان تو و پدرت آدم (ع) است». این پاسخ، که منصور را به شفاعت خواهی از رسول الله (ص) ترغیب می کرد شاهد بر صحت این عقیده است (سهارنپوری، ۱۳۹۴: ۴۱؛ کاندهلوی، ۱۳۹۳: ۱۵۰).



این مستندات همگی دلیل بر آن است که سلف امت چنین فهمیده‌اند که شفاعت خواهی، و مخصوصاً این آیه، نه فقط دال بر مشروعیت استشفاع است، بلکه دلالت آیه منحصر به شأن نزول آن نیست و زمان بعد از وفات رسول الله (ص) را هم شامل می‌شود. مؤید این سخن هم استدلال‌های علمای حنفی ذیل آیه فوق است. بدین ترتیب دلالت آیه بر جواز شفاعت خواهی از رسول الله (ص) محرز بوده و چنین عملی در زمان بعد از وفات ریشه قرآنی دارد و جایی برای انکار این عمل باقی نمی‌ماند. لذا تجویزکنندگان شفاعت خواهی و قائلان به استشفاع را مشرک و کافر خطاب کردن وجه شرعی ندارد و اشکالات و هابیت در این باب وارد نیست.

آیا این حجم انبوه از ادله و شواهد موجود برای اثبات مشروعیت شفاعت خواهی برای هر فرد منصفی کفایت نمی‌کند؟ اگر همان‌طور که وهابیت معتقدند شفاعت خواهی عملی شرک‌آمیز و مخالف قرآن و سنت باشد، چرا امیرالمؤمنین (ع) از اعرابی که چنین درخواستی داشت، ممانعت نکرد؟ آیا می‌توان تصور کرد که خلیفه رسول خدا و فاتح خیبر، به عملی شرک‌آمیز بی‌اعتنا باشد؟ اگر ادعای وهابیت در حرمت شفاعت خواهی پس از رحلت پیامبر (ص) صحیح باشد، چگونه پیامبر (ص) از درون قبر به درخواست آن اعرابی پاسخ داد؟ این مسئله به روشنی نشان می‌دهد که شفاعت خواهی مذموم نیست؛ زیرا اگر چنین بود پیامبر (ص) به آن پاسخ نمی‌دادند.

### چیستی شفاعت از دیدگاه وهابیت

وهابیان شفاعت را به معنای «جفت» در مقابل «وتر» و به معنای فرد می‌دانند (ابن‌عثمین، ۱۴۲۴: ۱۱۲/۱) و بر اساس معنای لغوی «شفاعت» را این‌گونه بیان می‌کنند: واسطه بودن فردی برای جلب منفعت یا دفع ضرر از فرد دیگر. علت نام‌گذاری به این نام برای این بوده که وقتی شافع کنار طالب شفاعت قرار می‌گیرد جفت می‌شوند، بعد از اینکه فرد و تنها بود (همو، ۱۴۲۷: ۳۸۷/۵). از منظر وهابیت، جلب منفعت یا دفع مفسده راجع به مفهوم «شفاعت» به صورت دعاکردن برای شخص محقق می‌شود؛ یعنی به عبارتی شفاعت خواهی نزد ایشان همان طلب دعاست (همو، ۱۴۲۳: ۳۸/۲؛ ابن‌باز، ۱۴۲۵: ۱۰۶/۱۶). گویا شفاعت پیامبر (ص) و سایر شفیعان در حقیقت درخواست

آنان از خداوند متعال و طلب مغفرت از خدا برای گناهکاران است و در ظرفیت‌های خاص، خداوند متعال اذن داده است برای مردم دعا کنند و در همان‌ها هم استجاب دعا را ضمانت کرده است. لذا در سایر مواقعی که اذن داده نشده است دعا نمی‌کنند (ابن‌باز، بی تا الف: ۱۲۳/۴۴).

اصل وجود شفاعت نزد وهابیت از جمله مسائلی است که با توجه به مطالب متعدد بیان شده در قرآن و سنت تردیدی در آن نیست (ابن‌عبدالوهاب، ۱۴۰۳: ۴۲) اما در برخی صور آن مناقشه و خدشه شده است. موضع بحث و نزاع در شفاعت خواهی، راجع به فرد غائب است، یعنی اگر شخص در دنیا یا در آخرت خودش در محضر شفیع باشد و از او طلب شفاعت کند این شفاعت خواهی صحیح و مطلوب است، اما اگر طالب شفاعت در محضر شفیع نباشد، اما در عین حال از او مطالبه کند این طلب از منظر وهابیت محکوم به شرک است؛ یعنی اگر از فرد غائب طلب دعا کنند شرک محقق شده است. در این صورت هم فرقی ندارد که شخص غائب در دنیا باشد، اما حضور نداشته باشد یا اساساً از دنیا رفته باشد و در برزخ باشد که در هر دو صورت، به عقیده وهابیت حکم به شرک داده می‌شود. وهابیت در تحریر محل نزاع در شفاعت معتقدند بعد از موت و قبل از بعث و محشر، شفاعت خواهی جایز نیست، همچنان که از سایر انبیا (ع) و دیگر اموات و غائبان چنین درخواستی جایز نیست (ابن‌باز، بی تا ب: ۲۸۰/۲).

### شفاعت خواهی در حیات پیامبر اکرم (ص) نزد وهابیان

نوفاً وهابیان شفاعت خواهی در حیات را پذیرفته‌اند، در حالی که محمد بن عبدالوهاب حتی شفاعت خواهی در حیات را هم قبول ندارد (ابن‌عبدالوهاب، ۱۴۱۸: ۲۴/۱-۲۵). اکثر وهابیان شفاعت خواهی در حیات شخص درخواست‌شونده را جائز، و سیره صحابه پیامبر اکرم دانسته‌اند و چنین عملی را منافی توحید نمی‌دانند (ابن‌فوزان، ۱۴۲۳: ۳۰۷/۲؛ ابن‌عثمین، ۱۴۲۴ الف: ۵۰۷/۲). این افراد، به جز محمد بن عبدالوهاب، به جواز شفاعت خواهی در دنیا معترف‌اند و تصریح می‌کنند که این حکم بین نبی و غیرنبی فرقی ندارد (ابن‌باز، ۱۴۲۵: ۹۵/۱). نزد وهابیان، استشفاع به پیامبر اکرم (ص) در طول حیات ایشان، که همان طلب دعای خیر است، امری بلا نزاع در بین صحابه و اتباع ایشان به

شمار آمده و گفته‌اند صحابه در مناسبات مختلف از پیامبر (ص) شفاعت خواهی می‌کردند (ابن‌باز، بی‌تا الف: ۲۶۶/۱۶).

### شفاعت خواهی در ممات پیامبر اکرم (ص) نزد وهابیان

وهابیان معتقدند شفاعت مختص خداست و درخواست آن از غیر او، به دلیل آیه «فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا» نوعی عبادت غیر، و شرک محسوب می‌شود (ابن‌عبدالوهاب، ۱۴۱۶: ۷۰). آن‌ها این استدلال را به درخواست شفا برای بیماران از اولیا و امور مشابه تعمیم می‌دهند و معتقدند هر گونه درخواست از غیر خدا شرک محسوب می‌شود. نزد وهابیان درخواست کمک یا شفاعت از پیامبر اکرم (ص) یا سایر صالحان در نزد قبورشان (مثلاً برای زائل شدن مرض یا ادا شدن قرض) نوعی شرک آشکار محسوب می‌شود. چنین اعمالی موجب خروج فرد از دین و ورود به جرگه مشرکان می‌شود و معتقدند فرد مرتکب چنین عملی اگر توبه نکند مستحق قتل است. عده‌ای از افراد هم با توجیه اینکه فرد مد نظر به خدا نزدیک‌تر است و آن‌ها نمی‌توانند مستقیماً به خداوند متعال رجوع کنند، به چنین اعمالی دست می‌زنند. این توجیه را شبیه به استدلال مشرکان دانسته و مردود شمرده‌اند (همو، بی‌تا الف: ۲۱۳/۱؛ همو، ۱۴۲۰: ۲۷/۱).

البته برخی از وهابیان، درخواست دعا و شفاعت از پیامبر (ص) در کنار قبر ایشان را گناه شرک، و گاه مقدمه‌ای برای شرک می‌دانند (ابن‌فوزان، ۱۴۲۳: ۱۲۵/۲؛ ابن‌باز، بی‌تا ج: ۱۹۱/۶). محمد بن عبدالوهاب دعا و خواندن غیر خدا را موجب خروج از دین، و ورود به جرگه مشرکان دانسته و بر حلال بودن خون و مال چنین افرادی در صورت توبه‌نکردن تأکید کرده است (ابن‌عبدالوهاب، ۱۴۲۰: ۲۷/۱). وی مدعی است کسی که بین خودش و خدا واسطه‌هایی قرار دهد تا آن‌ها را بخواند و از آن‌ها شفاعت بطلبد به اجماع کافر است (ابن‌عبدالوهاب، بی‌تا الف: ۱۱۲/۱). وهابیان درخواست از پیامبر را مستقیماً شرک اکبر و مخرج از اسلام می‌دانند و معتقدند طلب برکت از اموات یا شفاعت خواهی از ایشان یا درخواست شفا برای مریض از انواع شرک اکبر است (ابن‌باز، بی‌تا ج: ۲۹۴/۱۳؛ ابن‌عثیمین، ۱۴۱۳: ۱۴۹/۹؛ ابن‌فوزان، بی‌تا: ۳۱/۱).

## دلایل وهابیت بر شرک بودن شفاعت خواهی در ممات پیامبر اکرم (ص)

وهابیان موضع نزاع در شرک بودن شفاعت خواهی را، هم در زمرة شرک الوهی و هم شرک ربوبی قرار داده (ابن فوزان، بی تا: ۳۱/۱؛ ابن عثیمین، ۱۴۲۴ الف: ۱۹/۲) و برای هر یک دلایلی مطرح کرده اند. هر چند بررسی دقیق و مفصل این ادعاها نیازمند پژوهشی مستقل است، اما در ادامه، به قدر حاجت، ادله وهابیت و نقد آن در هر دو بخش را بیان می کنیم.

### ۱. استدلال به عبادت بودن شفاعت خواهی

وهابیت شفاعت خواهی را از مصادیق عبادت می دانند. از این رو شفاعت خواهی از غیر، عبادت غیر خواهد بود. ابن عثیمین در این باره می گوید: «ای رسول خدا! شفاعت کن» یا «ای فلان! شفاعت کن» یا شبیه آن جایز نیست، بلکه این دعای غیر الله «عبادت» است و دعای غیر الله شرک محسوب می شود (ابن عثیمین، ۱۴۱۳: ۴۱۳/۲۳). از منظر وهابیت، مهم ترین دلیل شرک بودن شفاعت خواهی دعاست و دعا نیز از اهم عبادات محسوب می شود (همو، ۱۴۱۶: ۲۷؛ ابن باز، بی تا ج: ۱۵۳/۱). بنابراین، درخواست دعا از غیر خدا، به اعتقاد وهابیت، به دلیل آیه «فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا» نوعی عبادت غیر و شرک محسوب می شود (ابن عبدالوهاب، ۱۴۱۶: ۷۰). بدین ترتیب اصلی ترین دلیل از منظر وهابیت برای شرک الوهی در مسئله شفاعت خواهی، موضوع دعا و عبادت بودن آن است. برای درک و پاسخ بهتر، خلاصه ای به صورت قیاس اقترانی به تصویر کشیده می شود:

شفاعت خواهی از غیر خدا دعای غیر الله است.

دعای غیر الله عبادت است.

در نتیجه شفاعت خواهی از غیر خدا عبادت است.

### بررسی و نقد

شفاعت خواهی فقط در دو حالت به عبادت شخص (و شرک) می انجامد:

الف. زمانی که شفاعت خواهی با پرستش و بندگی شفیع همراه باشد.

ب. زمانی که فرد، شفاعت را به طور مطلق (بدون اذن الاهی) برای شفیع ثابت

بداند و شفیع را مالک شفاعت تصور کند. این وضعیت مشابه باور مشرکان است که هم بت‌ها را می‌پرستیدند و هم شفاعت آن‌ها را بدون نیاز به اذن الاهی می‌پذیرفتند: «يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ... سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ؛ و بت‌هایی را به جای خدا می‌پرستند که نه زیانی به آنان می‌رسانند و نه سودی به آنان می‌دهند؛ و می‌گویند: اینان شفیعان ما نزد خدایند... خدا منزله و برتر است از آنچه شریک او قرار می‌دهند» (یونس: ۱۸).

بسیاری از شیوخ وهابیت، در آثارشان، به مشروعیت شفاعت‌خواهی از زندگان حکم داده‌اند. اگر شفاعت‌خواهی از اموات، دعا و خواندن غیرخدا محسوب شود، به طور طبیعی درخواست شفاعت از اشخاص زنده نیز باید دعا و عبادت غیرخدا قلمداد گردد و به شرک بودن آن حکم شود، در حالی که شفاعت‌خواهی در دنیا را عبادت نمی‌دانند (ابن‌فوزان، ۱۴۲۳: ۳۰۷/۲؛ ابن‌عثیمین، ۱۴۲۴ الف: ۵۰۷/۲).

شفاعت‌خواهی دعا به معنای ندا و صدازدن است، اما هر داعی را نمی‌توان عبادت تلقی کرد. عبادت زمانی تحقق می‌یابد که علاوه بر خضوع و خشوع به الوهیت و ربوبیت موجودی اعتقاد داشته باشیم، حال آنکه هیچ یک از مسلمانانی که از اموات شفاعت می‌طلبند، به الوهیت و ربوبیت آنان قائل نیستند (رشید رضا، ۱۹۹۰: ۴۸/۱؛ حمیری، ۱۴۱۹: ۳۳۷؛ مسعری، ۲۰۰۴: ۸/۴).

در بسیاری از آثار علمای اسلامی، دلایل و شواهدی بر مشروعیت انواع شفاعت‌خواهی گنجانده شده است؛ مثلاً وقتی رسول‌الله (ص) از دنیا رفتند ابوبکر بر بالین مطهر ایشان حاضر شد و خطاب به آن حضرت گفت: «ای محمد (ص)! ما را نزد پروردگارت یاد کن» (صالحی شامی، ۱۴۱۴: ۲۹۹/۱۲). در این روایت، درخواست دعا از پیامبر، آن هم پس از رحلت ایشان، مطرح شده است. آیا می‌توان ابوبکر را مشرک دانست؟

## ۲. استدلال به مساوی بودن عمل مسلمانان با مشرکان

وهابیان معتقدند یکی از عوامل شرک، میان مشرکان عصر انبیا (ع)، درخواست شفاعت آنان از اولیای الاهی بوده است. آن‌ها این درخواست از اصنام، ملائکه یا اولیای الاهی را که شرک در عبادت است صرفاً برای این انجام می‌دادند که به واسطه تقرب و آبروی



اولیا و صالحان نزد خدا، آن‌ها شفاعتشان کنند. لذا همین عمل ایشان شرک را برایشان به ار مغان می‌آورد (ابن‌عثمین، ۱۴۱۶: ۶۴).

وهابیت معتقد است مشرکان دوران جاهلیت به توحید ربوبی اعتقاد داشتند و فقط در توحید الهی مرتکب شرک می‌شدند (ابن‌عبدالوهاب، بی‌تاب: ۲۰۰) و توحیدی که همه انبیا (ع) مردم را به آن فرا می‌خواندند توحید در عبودیت است، چراکه مشرکان به دو نوع نخست اقرار می‌کردند، اما در توحید در عبودیت دچار شرک بودند (ابن‌باز، بی‌تاب: ۳۴/۲). بزرگان وهابیت، مسلمانانی را که در این زمان از اولیای الهی و حتی پیامبر (ص) طلب شفاعت کنند، همانند مشرکان در عصر پیامبر (ص) می‌دانند که حضرت مأمور به جنگ و قتال با آنان بود؛ یعنی مشرکان امروز با مشرکان عصر انبیا (ع) یا در معبودشان، که همان اولیای الهی باشد، اشتراک دارند یا در روش و کارشان، که شفاعت خواهی از اصنام باشد، که نفعی برایشان ندارد و در هر صورت شفاعت اولیای الهی شامل حالشان نمی‌شود، چراکه آنان از مشرک شفاعت نمی‌کنند (همو، بی‌تاب: ۱۰۶/۲-۱۰۷).

### بررسی و نقد

این دلیل وهابیت صحیح نیست، زیرا مشرکان، اصنام را معبود و شریک خدا می‌پنداشتند، در حالی که مسلمانان، اولیا را معبود و شریک خدا نمی‌دانند: «وَمَا تَرَىٰ مَعَكُمْ شُفَعَاءَ كُفَّالَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَاءَ؛ با شما نمی‌بینیم، آن شفیعانتان را که شریکان [در ربوبیت و عبادت] در میان خود می‌پنداشتید» (انعام: ۹۴). همچنین، به تصریح قرآن، بت‌ها از اذن در شفاعت بی‌بهره بودند، در حالی که پیامبران، اولیا، ملائکه و شهدا از اذن شفاعت برخوردارند (سلیم آزاد، ۱۳۹۶: ۲۰۷). قرآن کریم می‌فرماید: «الْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ؛ و فرشتگان پروردگارش را همواره همراه با سپاس و ستایش تسبیح می‌گویند، و برای کسانی که در زمین هستند آمرزش می‌طلبند» (شوری: ۵).

### ۳. فقدان قدرت اموات و تأثیرگذار نبودنشان

از منظر وهابیت، شرک در ربوبیت نیز در شفاعت خواهی متصور است، بدین معنا که



شفاعت خواهی از شخص میت، در ضمن خود، کشف از نوعی اعتقاد می‌کند که این اعتقاد شرک در ربوبیت را به دنبال دارد؛ یعنی پیامبر (ص) بعد از مرگ نیز قدرت بر دعا کردن دارد، که این اعتقاد از منظر وهابیت اعتقادی شرک‌آلود است و به اثبات قدرتی غیرطبیعی از جنس قدرت ربوبی خدا می‌انجامد، که این کار به شرک ربوبی منجر می‌شود. وهابیان در این باره معتقدند دعا و درخواست نوعی از عبادت است و در عین حال متضمن شرک در ربوبیت خواهد بود؛ زیرا شخص دعا و درخواست نمی‌کند مگر اینکه معتقد است شفیع درخواستش را اجابت می‌کند (ابن عثیمین، ۱۴۲۴ الف: ۱۹/۲).

نکته مهم این بحث که به شرک ربوبی می‌انجامد از جنس اعتقاد است نه از جنس عمل؛ یعنی اگر عملی دلیل بر شرک ربوبی اعلام شد، از این جهت است که کشف از اعتقاد شخص می‌کند، نه اینکه خود عمل عامل شرک باشد (همو، ۱۴۱۳: ۱۴۹/۹). از نظر آنان، اگر برای غیر خدا چنین شأنی در نظر گرفته شود شرک در ربوبیت محقق شده است (همان: ۱۴۹/۹).

دلایل متعددی می‌توان از کلام شیوخ وهابیت راجع به قدرت نداشتن اموات و غیرحاضران بر اجابت دعا و درخواست ذکر کرد، از جمله:

۱. پس از مرگ، شفیع به جماد تبدیل می‌شود و درخواست از جماد همانند درخواست از بت است و شرک در ربوبیت را به دنبال خواهد داشت.
۲. بر فرض پذیرش دلیل قبل و زنده بودن شفیع، شخص قدرت شنیدن درخواست‌های افراد در دنیا را نخواهد داشت.
۳. بر فرض پذیرش دلیل قبل، حتی اگر شفیع حی و شنوا باشد صرفاً قادر به شنیدن درخواست‌های نزدیک است نه درخواست‌های از راه دور.
۴. بر فرض تنزل و پذیرش سه دلیل قبل، حتی اگر شفیع زنده و شنوا باشد با موت قدرت عمل و اجابت دعا را از دست می‌دهد (همو، ۱۴۲۷ الف: ۱۶/۱۶؛ دویش، بی‌تا: ۱۱۲/۱).

نهایت استدلالی که وهابیت برای شرک ربوبی به آن استناد می‌کنند، چیزی فراتر از این نیست؛ گرچه خودشان در مطالبشان این دسته‌بندی روشن را ندارند، اما برای روشن شدن استدلال ایشان این دسته‌بندی مطرح شد.

## بررسی و نقد

این دلیل وهابیت هم صحیح نیست؛ زیرا مالک بن انس در پاسخ به منصور دوانیقی درباره چگونگی دعاکردن می گوید: «رو به سوی او کن و از او شفاعت بخواه تا خدا او را شفیع توقرار دهد» (سهارنپوری، ۱۳۹۴: ۴۱؛ کاندهلوی، ۱۳۹۳: ۱۵۰). همچنین، درخواست دعای ابوبکر از پیامبر اکرم (ص) بعد از رحلت ایشان، در بالین مطهر آن بزرگوار، به وضوح به همین شفاعت خواهی از اموات اشاره می کند (صالحی شامی، ۱۴۱۴: ۲۹۹/۱۲). روایاتی هم راجع به عرضه اعمال بر پیامبر اکرم (ص) بعد از رحلت ایشان وجود دارد که حضرت می فرماید: «زندگانی ام برایتان خیر است؛ زیرا با من سخن می گوید و من نیز با شما سخن می گویم، و مرگم نیز برایتان خیر است؛ زیرا اعمالتان بر من عرضه می شود. پس اگر خیری در آن بینم خدا را بر آن سپاس می گزارم، و اگر شری بینم از خدا برایتان آمرزش می طلبم» (ابوبکر بزار، ۱۹۸۸: ۳۰۸/۵). این روایت به روشنی بر موضوع محل بحث دلالت دارد؛ زیرا در آن تصریح شده است که پیامبر اکرم (ص) پس از رحلت برای گناهکاران امتش استغفار و آمرزش می خواهد و روشن است که استغفار به معنای طلب بخشش است و طلب بخشش همانند شفاعت خواهی نوعی دعا به شمار می رود. افزون بر اینکه در متون روایی به جز عرضه اعمال بر پیامبر (ص) روایاتی راجع به عرضه اعمال اعیان بر اموات هم وجود دارد (مروزی، بی تا: ۴۲/۲). ابن قیم هم این مطلب را از ابن مبارک به گونه دیگری نقل کرده است. جالبتر اینکه ابن تیمیه هم به وجود این روایات اذعان می کند و می گوید روایات مستفیضی بر توجه میت به اعمال نزدیکان وجود دارد (ابن تیمیه، ۱۴۰۸: ۳۶۲/۵). همچنین، روایات معتبری در کتب اهل سنت با مضمون پاسخ گفتن پیامبر اکرم (ص) به سلام وارد شده است (سجستانی، بی تا: ۲۱۸/۲) که در حقیقت، سلام نیز نوعی دعا از ناحیه پیامبر (ص) بوده که همان شفاعت خواهی است (ابن عثیمین، ۱۴۲۶: ۳۸۰/۴).

## نتیجه

دیوبندی ها معتقدند شفاعت خواهی، مشروع و پسندیده است؛ به نظر آن ها، شفاعت خواهی از پیامبران و اولیای الهی جائز است و آن را عقیده ای رایج در میان اهل



سنت می‌دانند. دیوبندیان دیدگاهشان را به آیاتی از قرآن کریم (نساء: ۶۴)، روایات و سیره صحابه مستند می‌کنند. آن‌ها همچنین داستان اعرابی و حضرت علی (ع) را دلیلی بر زنده‌بودن پیامبر (ص) و قابلیت اجابت دعا از سوی ایشان پس از رحلت می‌دانند. حتی پس از مرگ نیز می‌توانند شفیع باشند و دعاهای مؤمنان را اجابت کنند. عقاید اصلی دیوبندیه در این زمینه چنین است:

۱. شفاعت خواهی یعنی شخصی را وسیله و سبب قراردادن.
۲. شفاعت خواهی از انبیا، اولیا، صدیقان، شهدا و اتقیا جایز است؛ یعنی به وسیله آن‌ها از خدا دعا خواستن جایز است.
۳. همان‌طور که شفاعت خواهی در حیات اولیاءالله جایز است، بعد از وفاتشان هم جایز است.

در مقابل، وهابیان به شدت با شفاعت خواهی از پیامبر (ص)، اولیا و اموات مخالفت کرده و آن را شرک بزرگ دانسته‌اند؛ آن‌ها معتقدند شفاعت فقط حق خداست و درخواست از غیر او را نوعی پرستش غیر و شرک محسوب کرده‌اند. وهابیان برای اثبات ادعایشان به عبادی‌بودن شفاعت خواهی، قیاس مسلمانان با مشرکان، و یکسان‌انگاری «شفاعت خواهی» با مفهوم «دعا» استدلال کرده‌اند. از نظر وهابیان، اموات توانایی شنیدن و اجابت دعا ندارند. لذا هر گونه درخواست از غیر خدا را به شدت محکوم می‌کنند و شفاعت خواهی را هم‌زمان شرک در الوهیت و ربوبیت می‌دانند.



## منابع

١. قرآن كريم.
٢. ابن باز، عبد العزيز (١٤٢٥). التحقيق والايضاح لكثير من مسائل الحج والعمرة والزيارة، رياض: وزارة الشؤون الاسلامية والاوقاف والدعوة والارشاد.
٣. ابن باز، عبد العزيز (بي تا الف). مجلة الجامعة الاسلامية بالمدينة النبوية، موقع الجامعة على الانترنت، شاملة.
٤. ابن باز، عبد العزيز (بي تا ب). فتاوى نور على الدرب، محمد بن سعد شويعر، شاملة.
٥. ابن باز، عبد العزيز (بي تا ج). مجموع فتاوى، محمد بن سعد الشويعر، شاملة.
٦. ابن تيميه، احمد (١٤٠٨). الفتاوى الكبرى، بي جا: دار الكتب العلمية.
٧. ابن تيميه، احمد (١٤٢٦). الاستغاثة في الرد على البكري، الرياض: مكتبة دار المنهاج للنشر والتوزيع.
٨. ابن جبرين، عبد الله (بي تا). شرح العقيدة الطحاوية، شاملة.
٩. ابن عابدين، محمد امين بن عمر (١٤١٢). رد المحتار على الدر المختار، بيروت: دار الفكر.
١٠. ابن عبد الوهاب (١٤٠٣). الهدية السننية، الرياض: الرئاسة العامة الادارات المبحوث العلمية.
١١. ابن عبد الوهاب (١٤١٦). شرح كشف الشبهات، الرياض: دار الثريا للنشر والتوزيع.
١٢. ابن عبد الوهاب (١٤١٨). كشف الشبهات، الرياض: وزارة الشؤون الاسلامية والاوقاف والدعوة والارشاد.
١٣. ابن عبد الوهاب (١٤٢٠). اصول الايمان، الرياض: وزارة الشؤون الاسلامية والاوقاف والدعوة والارشاد، شاملة.
١٤. ابن عبد الوهاب (بي تا الف). مؤلفات الشيخ الامام محمد بن عبد الوهاب، تحقيق: عبد العزيز زيد الرومي، محمد بلتاجي، سيد حجاب، الرياض: جامعة الامام محمد بن سعود.
١٥. ابن عبد الوهاب (بي تا ب). القواعد الأربع، الرياض: جامعة الأمام محمد بن سعود.
١٦. ابن عثيمين، محمد بن صالح (١٤١٣). مجموع فتاوى ورسائل، فهد بن ناصر بن إبراهيم السليمان، بي جا: دار الوطن، دار الثريا.
١٧. ابن عثيمين، محمد بن صالح (١٤١٦). شرح كشف الشبهات، الرياض: دار الثريا للنشر والتوزيع.
١٨. ابن عثيمين، محمد بن صالح (١٤٢٣). تفسير الفاتحة والبقرة، عربستان: دار ابن جوزي.
١٩. ابن عثيمين، محمد بن صالح (١٤٢٤ الف). القول المفيد على كتاب التوحيد، رياض: دار ابن الجوزي، شاملة.
٢٠. ابن عثيمين، محمد بن صالح (١٤٢٤ ب). فتاوى اركان الاسلام، الرياض: دار الثريا للنشر



- والتوزيع.
۲۱. ابن عثيمين، محمد بن صالح (۱۴۲۴ ج). شرح ثلاثة الاصول، بى جا: دارالشريا للنشر الطبعة.
۲۲. ابن عثيمين، محمد بن صالح (۱۴۲۶). شرح رياض الصالحين، الرياض: دار الوطن للنشر.
۲۳. ابن عثيمين، محمد بن صالح (۱۴۲۷ الف). فتاوى نور على الدرب، رياض: مؤسسة شيخ محمد بن صالح بن عثيمين الخيرية، الطبعة الاولى.
۲۴. ابن عثيمين، محمد بن صالح (۱۴۲۷ ب). فتح ذى الجلال والاكرام، بى جا: المكتبة الاسلامية، الطبعة الاولى، شاملة.
۲۵. ابن فارس، احمد (۱۳۹۹). معجم مقاييس اللغة، بيروت: دار الفكر.
۲۶. ابن فوزان، صالح (۱۴۲۳). إغاثة المستفيد بشرح كتاب التوحيد، شاملة.
۲۷. ابن فوزان، صالح (بى تا). مجموع فتاوى فضيلة الشيخ صالح بن فوزان، شاملة.
۲۸. ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴). لسان العرب، بيروت: دار صادر، الطبعة الثالثة.
۲۹. ابوبكر بزار، احمد (۱۹۸۸). البحر الزخار، تحقيق: عمرو بن غرامة العمروى، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
۳۰. ترمذى، سيد عبد الشكور (۱۴۲۷). عقائد علماء اهل السنة والجماعة، رياض: نشر مكتبة الملك فهد.
۳۱. ثناء الله عثمانى، محمد (۱۴۲۵). تفسير المظهرى، بيروت: دار احياء التراث العربى.
۳۲. حميرى، عيسى بن عبد الله (۱۴۱۹). تصحيح المفاهيم العقديّة فى الصفات الالهية، قاهره: دار السلام.
۳۳. خدانظر قنبرزهى، عبدالحميد (بى تا). محمود الفتاوى (فتاوى دارالعلوم زاهدان) بر اساس فقه حنفى، زير نظر: عبدالحميد، سايت كتابخانه عقيدة.
۳۴. دويش، احمد بن عبد الرزاق (بى تا). فتاوى اللجنة الدائمة، هيئة كبار العلماء، رياض: الرئاسة العامة للبحوث العلمية والافتاء.
۳۵. ديوبندى، محمود حسن (۱۴۱۸). تفسير كابلى: قرآن مجيد با ترجمه و تفسير، قطر: سايت كتابخانه عقيدة.
۳۶. راغب اصفهانى، حسين بن محمد (۱۴۱۲). المفردات فى غريب القرآن، تحقيق: صفوان عدنان داودى، دمشق و بيروت: دار العلم، الدار الشامية، الطبعة الاولى.
۳۷. الرحمن، سيد طالب (۱۴۱۹). الديو بنديّة: تعريفها، عقائدها، رياض: دار الصمىعى للنشر والتوزيع.
۳۸. رشيد رضا، محمد (۱۹۹۰). تفسير المنار، قاهره: الهيئة المصرية العالمية للكتاب.
۳۹. سجستانى، أبو داود سليمان بن الأشعث (بى تا). سنن أبى داود، المحقق: محمد محيى الدين عبد الحميد، صيدا و بيروت: المكتبة العصرية.

۴۰. سربازی ملازهی، محمد عمر (۱۳۸۵). فتاوی منیع العلوم، مدرسه دینی منبع العلوم کوه ون، چاپ اول.
۴۱. سربازی ملازهی، محمد عمر (۱۳۸۸). تبیین الفرقان، تربت جام: نشر شیخ الاسلام احمد جام.
۴۲. سلیم آزاد، محمد (۱۳۹۶). خلد برین در زیر گنبد سبز: توضیحی درباره عقیده اجماعی حیاة النبی، بی جا: بی نا.
۴۳. سهارنپوری، خلیل احمد (۱۳۹۴). المهند علی المفند به ضمیمه عقاید علمای دیوبند، ترجمه: عبدالرحمن سربازی، تقدیم و استدراک: سلیم آزاد.
۴۴. صاحب، سعید احمد (بی تا). معلم الحجاج، ترجمه: محمد امین حسین بر، بی جا: بی نا.
۴۵. صالحی شامی، محمد بن یوسف (۱۴۱۴). سبل الهدی، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۴۶. عثمانی، شبیر احمد (۱۴۲۶). فتح الملهم شرح صحیح المسلم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۷. عثمانی، ظفر احمد (۱۴۱۵). اعلاء السنن، تحقیق: محمد تقی عثمانی، پاکستان: اداره القرآن والعلوم الاسلامیة.
۴۸. عثمانی، محمد شفیع (۱۳۸۶). تفسیر معارف القرآن، تربت جام: نشر شیخ الاسلام احمد جام.
۴۹. عثمانی، محمد شفیع (۱۳۸۸). احکام حج، ترجمه: غلام محمد سربازی، سنندج: صدیقی.
۵۰. کاندهلوی، محمد زکریا (۱۳۹۳). مجموعه فضائل حج و راهنمای حجاج، ترجمه: عبدالرحمن محبی، ارومیه: مؤسسه انتشاراتی حسینی اصل.
۵۱. گمن، محمد الیاس (۱۴۳۷). عقاید اهل سنت و جماعت، ترجمه: محمد ابراهیم تیموری، بی جا: بی نا.
۵۲. گنگوهی، رشید احمد (۱۳۸۱). زبده المناسک، ترجمه: عبدالرحمن سربازی، تربت جام: شیخ الاسلام احمد جام.
۵۳. مروزی، عبد الله بن مبارک (بی تا). الزهد والرقائق، المحقق: حبیب الرحمن الأعظمی، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۵۴. مسعری، محمد بن عبد الله (۲۰۰۴). التوحید؛ اصل الاسلام و حقیقة التوحید، لندن: التجدید الاسلامی.
۵۵. مسعود، محمد طاهر (۱۳۹۳). عقائد اهل سنت والجماعت، ترجمه: محمد ابراهیم گریج، بی جا: پیام اندیشه.